

عوامل موثر بر کاهش سنت حسنه وقف و ارائه راهکارهای نوین جهت احیاء آن^۱

سالومه پوریامین

کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش مطالعات فرهنگی

دانشکده غیر دولتی - غیر انتفاعی رفاه، تهران، ایران

saloomehpouryamin@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر بر کاهش سنت حسنه وقف و ارائه راهکارهایی جهت احیاء آن انجام پذیرفت. روش پژوهش از لحاظ نوع داده، کیفی، از نظر روش گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی - اکتشافی و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را خبرگان، مدیران و کارکنان عالی‌رتبه سازمان اوقاف و امور خیریه شهر تهران تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری، غیرتصادفی هدفمند است. نمونه آماری در این پژوهش ۱۰ نفر از مدیران عالی‌رتبه سازمان اوقاف و امور خیریه شهر تهران انتخاب و با روش مصاحبه نیمه عمیق از آنها، عوامل موثر بر کاهش سنت حسنه وقف استخراج شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوا استفاده شد. یافته‌های پژوهش، نه عامل را موثر بر تحقق احیاء سنت حسنه وقف معرفی کرد که عبارتند از: تغییر سبک زندگی، ناکارآمدی سیستم تفهیم و ترغیب عمومی، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و غیرانتفاعی، نظام آموزشی کشور، جایگاه وقف و اقتصاد، طرح‌های تشویقی یا بخشودگی در قبال وقف، فرهنگ‌سازی وقف توسط رسانه‌ها، رفتار سازمان‌ها در برابر سنت وقف و نقش نهادهای مذهبی نسبت به وقف. همچنین با استفاده از ادبیات پژوهش این عوامل به دو دسته دلایل کاهش سنت وقف و چالش‌ها و راهکارهایی برای اشاعه و ترویج وقف طبقه‌بندی شد.

واژه‌های کلیدی: وقف، سنت حسنه، اوقاف و امور خیریه، اشاعه و احیا

۱. این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد خاتم سالومه پوریامین با عنوان عوامل موثر بر کاهش سنت حسنه وقف و ارائه راهکارهای نوین جهت احیاء آن، مستخرج شده و در دانشگاه سوره تهران دفاع شده است.

مقدمه

وقف از جمله موضوعاتی است که به رغم ظرفیت وسیع آن در شمول مباحث کاربردی اقتصادی، علمی، پژوهشی و اجتماعی، کمتر مورد تحقیق پژوهشگران قرار گرفته است و جز اندکی در بعد فقهی، در دیگر ابعاد آن، تحقیقات جامع علمی صورت نگرفته است. «شکوفایی تمدن عظیم اسلامی در گذشته مرهون تلاش‌هایی بوده است که وقوع دوباره آن امری ممکن است. لذا باید گفت که هنوز در جامعه اسلامی ما فرهنگ وقف به علت وجود مشکلاتی به طور کامل نهادینه نشده است» (مهرادفر، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

از آنجایی که سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان یکی از سازمان‌های فرهنگی - معنوی کشور در سطح کلان احیاء، حفظ و اداره موقوفات کشور و سایر موارد اختصاص یافته به امور خیریه و عام‌المنفعه و همچنین اداره و نظارت بر اماکن مذهبی، مساجد و بقاع متبرکه، و نشر و گسترش معارف اسلامی و فرهنگ نیکوکاری وقف را برعهده دارد؛ می‌تواند با همکاری روحانیون و مدرسین؛ موضوع وقف را به اشکال متفاوت و استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود در کشور بازگو و یادآور شود. همچنین یکی دیگر از اقشار اثرگذار بر سنت وقف، مادران هستند. برخی از موقوفات ابعاد وسیعی دارد که با مطالعه نمونه‌هایی از آنها به ابعاد این اتفاق و عمق روحی واقفان و انسان‌های خیراندیش پی می‌بریم و با کمک بانوان به عنوان اثرگذارترین عنصر در خانواده و جامعه می‌توان فرهنگ وقف، انفاق و احسان را در جامعه گسترش داد به این صورت که در خلال تربیت و پرورش فکری نونهالان خود؛ به صورت ساده با اسوه قرار دادن خود در امور وقف و سهم شدن در امور خیریه بتوانند موجب تعمق بخشی فکری کودکان نسبت به این امور شوند. پس می‌توان چنین استنتاج نمود که در صورتی که اوقاف به طور مطلوب از هر راهی مدیریت صحیح شود؛ فقر، اختلاف طبقاتی و نیز مشکلات اجتماعی در بعد مالی و اجتماعی به حداقل می‌رسد، اما متأسفانه هنوز نگاه‌های جامع، ذهنیت ایده‌آل و مطابق مقاصد شرع مقدس، در این دوران کمتر به چشم می‌خورد. از این رو نهاد وقف کارآیی و کارآمدی خود را آنطور که شایسته است، باز نیافته است. نهادینه‌شدن فرهنگ صحیح وقف در جامعه نیازمند همراهی همه بخش‌های مختلف کشور است و باید از همه ظرفیت‌های موجود در کشور به منظور ترویج سنت وقف استفاده کنیم. در این زمینه سازمان‌های مختلف مانند اوقاف و امور خیریه سهم بسزایی دارند و برای رفع نیازهای فرهنگی جامعه باید تلاش کنند (علیمردانی، ۱۳۹۱).

بنابراین برای رواج و احیای سنت وقف در جامعه باید تمام سازمان‌ها اعم از: سازمان اوقاف و امور خیریه، مجلس شورای اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما دست به دست یکدیگر داده و برای این سنت حسنه تلاش نمایند.

بیان مسأله

گسترش فرهنگ وقف، یکی از عمده‌ترین عوامل از بین بردن تراکم ثروت‌گرایی در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش‌های معنوی و الهی، در شکل توزیع عادلانه‌ی ثروت، محسوب می‌شود و با درک همین نکته، یعنی «تأثیر ژرف وقف در توسعه‌ی اقتصادی، فکری، فرهنگی و معنوی است که اسلام دین مقدس توحیدی، برگسترش فرهنگ وقف بیش از هر چیز دیگر تأکید نموده است» (جوادی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). آئین وقف یکی دیگر از افتخارات مکتب اسلام و دیگر مکاتب الهی و از اهرم‌های موثر اعتقادی و فرهنگی برای جبران نیازهای مادی و معنوی جامعه است. «از صدها سال پیش تاکنون واقفان خیراندیش با اختصاص بخشی از اموال خود برای خدمت مستمر به جامعه در در این کالبد؛ که بارزترین و روشن‌ترین مصداق احسان، انفاق، صدقه‌ی جاریه، تعاون و باقیات الصالحات است منشاء خدمات فراوان علمی، فرهنگی، هنری، رفاهی، بهداشتی در جامعه بوده‌اند که وجود صدها درمانگاه، بیمارستان، مدرسه، دارالایتام، کتابخانه و مسجد، قنات، پل، آب انبار و غیره که باید بطور دایمی حفظ و مورد بهره‌برداری قرار گیرد درسراسر کشورهای جهان و به ویژه ایران بهترین گواه و شاهد آن است» (ویژه نامه میراث وقف، ۱۳۸۶).

البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که برای شکوفایی وقف در جامعه باید فرهنگ وقف را ترویج کرد و برای این منظور تنها یک نهاد یا ارگان مسئول نیست، بلکه همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی و اجرایی کشور موظف‌اند تا در جهت اعتلای آن در جامعه با همدیگر همکاری کرده و زمینه‌های تعالی آن‌را فراهم آورند. هر چند عمل کردن به وقف از سوی مردم مهم‌ترین راه گسترش فرهنگ وقف است، اما باید توجه داشت که خود مردم نیز برای عمل به این سنت حسنه نبوی نیازمند راهنمایی و دریافت آموزش‌های دینی هستند. از این‌رو «مسئولان کشور به ویژه دست‌اندرکاران امور مذهبی و فرهنگی می‌توانند با یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت‌دهی افکار عمومی به سمت فرهنگ وقف موثر باشند» (کریمی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

اما در طی سالیان اخیر سنت حسنه وقف دچار انزوای شده و گرایش مردم به سوی این عمل نیکو کاهش پیدا کرده است. به بیان دیگر عمل به سنت حسنه وقف در بین مردم کمرنگ شده است. البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مقوله کاهش استقبال مردم از سنت حسنه وقف تابع دیانت و امور معنوی آنان به‌طور قطع به یقین نمی‌تواند باشد. زیرا جامعه اسلامی ایران و فرهنگ مردم با منویان مذهبی و دینی عجین شده است. به همین دلیل کاوش در حیطه امور مربوط به وقف و ایجاد انگیزه و رغبت مجدد و بازگشت به سوی این سنت حسنه از جمله رسالت‌هایی است که تحقیقات و پژوهش‌هایی عمیق را می‌طلبد که به مدد شیوه منطقی و استدلال علمی به این موضوع بپردازد. لذا «برای بیرون رفت از رکود ناانسانی، برای نجات از اسارت جهالت، برای ذوب نمودن یخ‌های منجمد اندیشه و برای رشد شعوری جامعه، توسعه‌ی فرهنگ وقف و انفاق ضرورت است، چرا که توسعه‌ی فرهنگ وقف و انفاق موجب ایجاد تعادل اقتصادی و مادی

در جامعه می‌گردد و با تعادل مادی و اقتصادی، زمینه‌ی فعالیت پیدا کردن توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالقوه به وجود می‌آید و بدین ترتیب حرکت رو به رشد جامعه در مسیر تکامل مادی و معنوی آغاز می‌شود. لذا دقیقاً به همین لحاظ است که ایجاد نهادهای خیریه بر مبنای «اوقاف و انفاق» در جوامعی که عده‌ای بسیار اندک آن از بهترین امکانات مادی، رفاهی و اقتصادی برخوردارند و اکثریت مطلق آنها در چنگال فقر مادی و معنوی اسیرند، بیشتر از سایر جوامع از ضرورت برخوردار است» (جوادی، ۱۳۸۰: ۲۱۴).

مطالعات و شواهد نشان می‌دهد سنت حسنه وقف و سایر فعالیت‌های خیرخواهانه در کشورهای اسلامی تابعی است از متغیرهای مختلف که در مجموع می‌توان عوامل مذهبی، از قبیل تقوا و ایمان قوی، عوامل فردی، از قبیل شخصیت مهربان، روحیه سخاوت‌گری و پایگاه شغلی، سطح درآمد، میزان تحصیلات و شعور اجتماعی و سایر مؤلفه‌ها را از تعیین‌کننده‌های اقدامات خیریه از قبیل وقف دانست که آثار و نتایج این عمل خداپسندانه به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای منجر می‌گردد و بخش قابل توجهی از اقشار نیازمند و بی‌بضاعت می‌توانند از این فرصت‌ها و خدمات اجتماعی بهره‌مند شوند. در جوامع دینی و اسلامی عامل متغیر اصلی برای ایجاد انگیزش «توسعه ارزش‌های دینی و مذهبی» است. در این راستا اصل مقدس وقف می‌تواند در صحنه اقتصاد نقش برجسته‌ای را عهده‌دار شود. اصل مقدس وقف در شرایط فعلی جامعه، در حالت خرد و فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. لیکن این وضعیت می‌تواند از طریق مطالعه و برنامه‌ریزی‌های دقیق و جامع به مفهومی وسیع و مؤثرتر تبدیل شود. بنابراین می‌توان گفت که نهاد غیرانتفاعی وقف، نقش قابل توجهی در پیشبرد جوامع اسلامی و همچنین در کمک به دولت برای تهیه خدمات اساسی آن‌طور که هست ایفا کرده است. این نهاد از بخش‌های مذهبی، تربیتی و بهداشتی حمایت کرده و زیر بناهای اساسی را تدارک دیده و در راستای تامین شغل، بالابردن فعالیت‌های تجاری، تهیه غذا برای گرسنگان، پناه دادن به مستمندان و نیازمندان و حمایت از بخش‌های کشاورزی و صنعتی موفق بوده است که در نتیجه موجب کاهش هزینه‌ها برای دولت شده است.

با توجه به مطالب فوق و اهمیت وقف در جامعه، ارائه راهکار عملی منطقی و شرعی در جهت فرهنگ‌سازی سنت وقف و تبیین کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن در جامعه ایران به وضوح احساس می‌شود. چرا که طی سال‌های اخیر به دلیل برخی مشکلات و نارسایی‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی؛ اذهان کمتر به سوی این موضوع گرایش پیدا کرده‌اند. در حالی‌که احیای این رسم نیکو و سفارش شده از سوی شرع مقدس؛ باعث رونق اقتصاد جوامع و باعث رونق اقتصاد جوامع و گاهی حل مشکلات اجتماعی می‌گردد. از این‌رو این تحقیق با هدف شناسایی کمبودها و موانع شناخت و گسترش این فرهنگ حسنه به رشته تحریر درآمده است تا گامی باشد در جهت رونق و احیای مجدد عمل وقف در جامعه اسلامی. و به دنبال پاسخ به این سوال‌ها می‌باشد که چرا در جامعه امروز ایران مردم کمتر به سنت حسنه وقف اشتیاق دارند؟ چه راهکارهایی برای احیای سنت حسنه وقف در جامعه امروز ایران وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در بند «۱»، وقف عام در صورتی «عام» است که یا بر «جهات عمومی» وقف شده باشد، مانند وقف بر مساجد و پل‌ها و قنات و مدرسه‌ها و وقف بر عزاداری امام حسین (ع)، یا وقف بر عناوینی که مصادیق آن، محصور نیست، مانند وقف بر دانشجویان، فقرا، بیماران یا... در بند «۲» دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه قانون سازمان اوقاف و امور خیریه^۱ آمده است: وقف عام، وقفی است که در جهت و مصلحت عمومی و یا عناوین عامه باشد، مانند وقف بر مساجد، مدارس، تعزیه‌داری، اطعام، دارو و درمان، کمک به فقرا و یتام و غیره. موقوفاتی که به وسیله اقلیتهای دینی برای معابد و امور عام‌المنفعه اختصاص یافته، وقف عام تلقی می‌شود. در وقف عام، هر چند «وقف بر نفس» باطل است؛ اما وقف بر جهات عامه که «واقف» هم امکان دارد یکی از مصادیق آن باشد، ایرادی ندارد. طبق قانون^۲: «در وقف بر مصالح عامه»، اگر خود واقف نیز، مصداق موقوف علیه واقع شود، می‌تواند منتفع گردد». بدین توضیح که وقف بر مصالح عامه و امور خیریه از قبیل وقف بر طلبان و علما و دانشجویان و نیز مسجد و مدرسه، هرگاه «واقف»، مصداق «موقوف علیهم» باشد یا جزء اشخاصی باشند که منتفع می‌شوند، چون اینگونه امور، وقف بر جهت است، نه وقف بر افراد، «واقف» می‌تواند منتفع شود، مگر اینکه «واقف» خروج خود را از آنها قصد یا در عقد، خروج خودش را تصریح کرده با . بند دوم: وقف خاص اما «وقف خاص» در جایی است که وقف بر اشخاصی باشد که عرفاً «محصور» و «معین» باشند، مانند وقف بر اولاد، نسل بعد نسل یا بر کارکنان یک موسسه معین. در بند «۳» دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مقرر شده است: «وقف خاص، وقفی است برای شخص یا اشخاص معین و محصور مانند وقف بر اولاد و احفاد»، در «وقف عام»، قبول از ناحیه «حاکم» صورت می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

نگاهی گذرا به دیروز و امروز فرهنگ‌ها و تمدن بشری کافی است تا ما را با آثار و برکات مادی و معنوی وقف در گستره کشورهای اسلامی و غیر اسلامی آشنا کند. این حقیقت نشانه‌ی فطری بودن وقف و ریشه داشتن فرهنگ نوع دوستی در نهاد آدمی است. شاهد عینی آن رشد روزافزون بنیادهای خیریه در کشورهای غیرمسلمان است. وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آنها به کار بست. این نهاد با وجود برخورداری از قدمت زیاد، آن‌طور که شایسته است فراگیر نشده و نقش آن در ابعاد گوناگون تا حدودی پنهان و پوشیده مانده است. «به جرأت می‌توان گفت، وقف یکی از برترین و

۱. مصوب ۱۳۶۳

۲. ماده ۷۲ قانون مدنی

۳. مطابق ماده ۷۴ قانون مدنی

بادوام‌ترین مظاهر احسان و نیکوکاری به مردم و خدمت به هموعان و کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است» (بزرگی، ۱۳۷۳: ۶۴).

رشد و شکوفایی در عرصه‌های مختلف یک جامعه مستلزم وجود عاملی قوی برای انسجام و انگیزش است. در پاره‌ای از جوامع عامل ملیت، قومیت و یا نژاد، چنین نقشی را برعهده داشته‌اند. لیکن این عوامل در جامعه دینی می‌تواند نقش پررنگ و مؤثری را ایفا کنند. پدیده وقف دارای حیطه گسترده‌ای از فعالیت و اقدام می‌باشد، تا جایی که اگر به درستی هدایت شود، به بسیاری از نیازها پاسخ می‌دهد و هیچگاه جامعه انسانی با کمبودهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی روبرو نخواهد شد. «اما مهم این است که هم نیازها براساس اولویت در سطح افکار عمومی معرفی شود و هم ضرورت آن عینی و متناسب با عواطف و درک و توجه واقفان لحاظ گردد» (صادقی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۶).

نقش وقف در توسعه ارزش‌های الهی و معنوی یکی از مهمترین جنبه و اساسی ترین بعد در بحث وقف و نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی، نقش وقف در تکامل و توسعه ارزش‌های الهی و معنوی است. رشد ارزش‌های مادی و معنوی در یک جامعه به مثابه رشد، توسعه فرهنگ آن جامعه تلقی می‌شود و زوال ارزش‌های مادی و معنوی در یک جامعه به مثابه زوال فرهنگ و تمدن آن جامعه، ارزیابی می‌گردد. مهمترین نقشی که وقف در توسعه فرهنگ و تمدن ایفاء می‌کند توسعه‌ای معنوی جامعه است. توسعه‌ی معنوی جامعه بدین مفهوم است که جامعه در بعد الهی، دینی و ارزش‌های معنوی خویش بیشتر از ابعاد مادی رشد می‌کند؛ زیرا «اگر وقف را از دیدگاه انسانی و معنوی آن نگاه کنیم، وقف، عبارت است از به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی، به عبارت دیگر جامعه زمانی از لحاظ معنوی بیشتر رشد می‌کند که ارزش‌های مادی و امکانات مادی‌اش در خدمت امکانات و ارزش‌های معنوی‌اش باشد. در عوض ارزش‌های معنوی زمانی در یک جامعه می‌میرد که ارزش‌های معنوی در خدمت امکانات و ارزش‌های مادی بوده و توانمندی‌های انسانی، الهی و معنوی جامعه قربانی اهداف مادی، غیرانسانی و غیرالهی گردد» (کریمی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

وقتی به تاریخ موقوفات نظر می‌کنیم، بین وقف و شکوفایی تمدن اسلامی رابطه‌ای جدی و اساسی می‌یابیم؛ در تاریخ اسلامی، اولین واقف رسول خدا(ص) بود و اولین موقوفات که شامل مسجد قبا و مسجد النبی و حوائط سبعة (بستان‌های هفتگانه) بود به دست ایشان انجام گردید. ماهیت این موقوفات نشانگر فرهنگی بودن وقف در نگرش اسلامی است. پس از پیامبر(ص) نیز هزاران مورد برای وقف اختصاص داده شده است (چه در کشورهای مختلف اسلامی و چه در کشورهای غیر اسلامی که مسلمانان در آنجا زندگی می‌کنند) نقش این موقوفات در فرهنگ و تمدن اسلامی، آنچنان گسترده است که «برخی پژوهشگران با مطالعه تاریخ اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی دریافته‌اند که وقف در اکثر زمینه‌ها کارکرد مثبت داشته و سبب رونق و پویایی دین مبین اسلام گردیده است» (مهرادفر، ۱۳۹۲: ۱۱۹) عبارتند از:

الف - عبادت و معنویت:

از عهد رسالت و توسط پیامبر اکرم(ص) اموالی به ساخت مسجد اختصاص یافت، موقوفاتی برای خدمات بر زائران حج وجود داشته و افرادی در راه مکه حتی چاههای آب حفر می کردند و آنها را وقف می نمودند و این مساجد که بخشی از تمدن اسلامی را تشکیل می دهند بر پایه وقف اداره می شده اند.

ب - آموزش و پرورش:

بعد از موقوفات عبادی، وقف زیادترین حجم موقوفات را تشکیل داده است، مدرسه ها، کتابخانه ها، مکتب خانه ها، قرآن خانه ها و حدیث خانه های متعددی با اموال موقوفه ساخته یا اداره شده است. در میان موقوفات تعلیمی وقف کتاب و کتابخانه از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. در جهان اسلام همواره چهار نوع کتابخانه وقفی و چهار گونه کتاب وقفی وجود داشته است. کتابخانه های مساجد مانند جامع میافارقین، ابوحنیفه بغداد، جامع الازهر قاهره، جامع نیشابور، مسجد نبوی که کتابخانه های وقفی بزرگی داشته اند.

مدارس و دانشگاه ها مانند مدرسه نظامیه، مدرسه مستنصریه و مدرسه ابوحنیفه

کتابخانه های مستقل مانند دارالعلم موصل، دارالعلم بغداد، دارالحکمه قاهره.

کتابخانه های خصوصی عالمان و سیاستمداران مانند کتابخانه خطیب بغدادی (۴۶۳ ق).

ج - جهاد و تبلیغ:

نقش وقف در ساخت پادگان های نظامی، برج ها، قلعه ها، خرید و ساخت اسلحه برای دفاع از امت اسلامی به گونه ای بوده که اساساً بدون این موقوفات، حفاظت از کیان مسلمانان امکان پذیر نبوده است.

د - عدالت و تأمین اجتماعی:

اقتدار کم درآمد یا فاقد درآمد و امکانات ضروری زندگی که به نام مستمند و فقیر شناخته شده اند، همواره وجود داشته است. در کنار اینان قشر مرفهی هم وجود داشته است. تدبیر شریعت اسلام برای ایجاد توازن اجتماعی وقف است. عناوینی که در تاریخ اسلام گزارش شده عبارتند از: وقف خانه ایتام، وقف نان و طعام، وقف لباس و پوشاک، وقف محل مسکونی برای فقیران بدون مسکن، وقف غسل و کفن و دفن فقیران، وقف آب انبار، وقف آب آشامیدنی و دیگر امور خدای پسندانه.

و- پویایی فرهنگ:

ساز و کار فرهنگ تا حد زیادی منوط به کارکرد وقف است. عدم معصیت در موقوف یکی از شرایط پذیرفته شدن وقف است. مثلاً برای کارهای خلاف شرع نمی توان وقف کرد. وقتی شرایط و دیگر مباحث

مرتبط با وقف را در فرهنگ اسلامی مطالعه می‌کنیم، در می‌یابیم که شریعت برای وقف اهداف عالی و رسالتی زیربنایی و اساسی و گسترده، در نظر گرفته است. به همین دلیل بود که نهادهای فرهنگی بزرگی در سرزمین‌های اسلامی مثل بیت‌الحکمه در دوره مأمون عباسی تاسیس و دایر شد. «خواجه نظام‌الملک با استفاده از اوقاف، مدارس نظامیه را در سراسر جهان اسلام گسترش داد. قابل توجه است در دوره‌های قدیم که سرمایه‌هایی مانند نفت در اختیار اداره کنندگان جامعه نبود، همه نهادهای فرهنگی با اوقاف و وجوهات به خوبی اداره می‌شد» (جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۲۱۴)

به نظر می‌رسد در دوره‌ی معاصر کارکرد وقف در این زمینه کمتر شده است. یکی از دلایل این کاهش انباشت ثروت در برخی جاها در دست بعضی افراد است مرتفع شدن مشکلات فرهنگی جامعه‌های اسلامی تا حد زیادی منوط به گسترش اوقاف و استفاده در دست از وقف است. به هر حال باید وقف را زمینه ساز و بستر ساز تحقق اهداف دین و مقاصد شریعت بدانیم و در راه گسترش فرهنگ دینی از آن استفاده کنیم. وابستگی اوقاف و فرهنگ دینی از چند جهت قابل ملاحظه است:

با وقف مکان‌هایی همچون مساجد، فرهنگ دینی نهادینه می‌شود. به دلیل فسادزایی تکاثر ثروت، وقف از تکاثر پیشگیری می‌کند و توازن اجتماعی به وجود خواهد آورد. با گسترش عدالت اجتماعی از طریق وقف، کارآمدی و موفقیت دین در جامعه تضمین می‌شود و از این طریق فرهنگ دینی بسط می‌یابد.

آرامش روانی که برای واقفان پدید می‌آید، به نوعی به سلامت روحی و اجتناب از گناه منجر می‌شود از این رو، فرهنگ دینی توسعه پیدا می‌کند (المزمینی، ۱۴۲۰: ۷۲-۶۸).

تأثیر وقف در بهبود اوضاع اقتصادی جامعه می‌توان به موارد بسیار زیادی اشاره کرد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

کارآفرینی و اشتغال:

امروزه، کارآفرینی از بزرگترین دغدغه‌های جوامع انسانی است؛ زیرا کار عنصری مقدس و حائز اهمیت محسوب شده که در سایه سار آن، علاوه بر رفع نیازهای معیشتی، آرامش، هم‌گرایی، هویت شغلی و اعتلای شخصیتی فرد محقق می‌شود. البته این درحالی است که اغلب کشورهای جهان با معضل بیکاری دست به گریبان هستند. از آنجا که چاره اندیشی برای تخفیف این مشکل بدون مشارکت جدی بخش خصوصی به انجام نخواهد رسید، ضروری است که از راهکار حسنه‌ی وقف در این عرصه نیز استفاده شود. اما پیش از آن لازم است که این ضرورت برای نیکوکاران تبیین شود تا پاره‌ای از موقوفات و عایدی آنها صرف این مهم شود. بالا رفتن موقوفات از جمله کشتزارها نیز راهکاری است که پرداختن به آن می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر بینجامد (کریمی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۴۳)

گسترش عدالت به سود نیازمندان جامعه

وقف اگر چه به نوعی در قبل از اسلام وجود داشته است، ولی عنایت و توجه به این سنت حسنه به تولد اسلام باز می‌گردد که توسط اهل بیت (علیهم السلام) مطرح شده است؛ به گونه‌ای که از چنان توجهی برخوردار شده که در برهه‌هایی از تاریخ، تأمین مهم‌ترین نیازهای مستمندان را بر عهده داشته است. زیرا در گذشته، برخلاف امروز، حکومت‌ها بیشتر به دفاع از مرزها و نظم عمومی می‌پرداختند نه توجه به نیازمندان. این امر امروزه نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، بدین صورت که با تشویق افراد خیر که املاک و اموال خود را وقف نیازمندان کرده و بدان‌ها رسیدگی کنند، می‌توان تا حد بسیاری به بهبود اوضاع معیشتی آنان رسیدگی کرد. (کریمی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۵۱)

فقرزدایی

تنگدستی که بنا به فرموده‌ی مولای متقیان علی (علیه السلام)، بزرگتر از مرگ است، آفتی سترگ برای جوامع انسانی به شمار می‌آید که از رهگذر آن گاه ایمان و اعتقاد مذهبی افراد نیز دچار تزلزل و زوال می‌گردد. بدین ترتیب راهکار حسنه‌ی وقف می‌تواند با فراهم آوردن فرصت‌های شغلی، دستگیری از نیازمندان و کمک به خوداتکایی ایشان، رواج اندیشه‌ی خیرخواهی، تقویت موءسسات حمایتی، بسیج امکانات اندک و مانند آن، راه را بر فقر و تنگدستی تنگ کند و رفاه و غنای ممدوح جامعه انسانی را موجب شود (کریمی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۶۱)

عمران و آبادانی:

دین مبین اسلام که تحصیل سعادت آدمی در هر دو جهان را در امتداد هم نگاه میدارد، علاوه بر آنکه بندگان خدا را به ساختن سرایی مجلل و فاخر در دنیای پسین فرا خوانده، آنان را به عمران و آبادانی دنیایی که مزرعه‌ی آخرت است، نیز دعوت فرموده است. سنت حسنه وقف با عمران و آبادانی ظاهری و باطنی، ارتباطی دیرپا داشته و دارد. احداث مدارس، مساجد و... مویده آن است (شهابی، ۱۳۸۹: ۲۱۶)

جدول ۱ خلاصه‌ای از برخی پژوهش‌های انجام شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱: خلاصه‌ای از برخی پژوهش‌های انجام شده

پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج به دست آمده
روشنفکر (۱۳۹۴)	وقف و مطالعات شهر اسلامی	به تقسیم‌بندی انواع شهرها و همچنین تعریف شهر اسلامی اشاره کرده است و با ذکر پاره‌ای از مطالعات انجام شده در سایر کشورها در حوزه وقف، انواع وقف، وقف و جنبه‌های سیاسی آن، وقف پشتیبان نظام اجتماعی پرداخته است و به موضوع کمبود مطالعات در حوزه وقف از منظر علوم انسانی اشاراتی داشته است.
ملایی پور (۱۳۹۴)	وقف سرمایه‌ای ماندگار	یکی از اموری که تا حدودی پاسخ‌گوی این خواسته درونی انسان است، یادگاری ماندگار و صدقه‌ای جاوید به نام «وقف» است که در گذشته‌های بسیار دور و تمدنهای کهن ریشه دارد. این آیین نیک و کهن با ظهور اسلامی، رونقی دیگر یافت و با اثرپذیری از جهان‌بینی اسلامی و برخورداری از پشتوانه احکام شرعی به صورتی استوار و جهت‌دار در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به جریان خود ادامه داد.
ریاحی سامانی (۱۳۹۳)	وقف و شبه وقف و بخشش در ادیان و ملت‌ها	همه پیشوایان دینی و مصلحان اجتماعی یکی از راه‌حلهای اساسی و مهم حفظ تعادل در روابط انسانی جوامع مختلف و حرکت به سمت صلح و دوستی و تحقق عدالت را تمسک به تقویت رفتارهای همراه با ایثار و فداکاری می‌دانند که در شریعت اسلام، این اهداف گسترده‌تر می‌باشد. وی در ادامه ضمن مقایسه تطبیقی وقف معتقد است که عمل وقف، مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی ایجاد می‌کند که افزون بر آن که در شهرنشینی جوامع که از مولفه‌های توسعه اقتصادی است، نقش قابل توجهی دارد و به‌طور کلی نوعی برجستگی دینی، تاریخی و اقتصادی به شهر خواهد بخشید و توسعه را همراه با عدالت اجتماعی به ارمغان خواهد آورد.
صباحی فرد زنجانی (۱۳۹۳)	ماهیت حقوقی، شرایط و آثار وقف اموال غیر مادی	به طور مشخص می‌توان گفت که از آنجا که وقف جنبه عام‌المنفعه دارد هیچ لزومی برای عین بودن مال موقوفه وجود ندارد و همچنین قبض مال موقوفه با توجه به نوع آن مال متفاوت خواهد بود و قبض اموال غیرمادی به صورت عرفی امکان‌پذیر می‌باشد و در نهایت اینکه وقف اموالی با چنین ماهیتی، خالی از اشکال هست.

نوراحمدی (۱۳۹۲)	بررسی کارکردهای نهاد وقف در اقتصاد اسلامی	وقف با ماهیت تعاون و انفاق راهکاری را ارائه می‌دهد که نتیجه و خروجی آن فواید اقتصادی و اجتماعی است. زیرا وقف با یکی از افعال عمرانی و اقتصادی همراه است. بدیهی است که چنین اموری کمک به رونق و تعدیل اقتصادی در اجتماع خواهد داشت.
شمسی (۱۳۹۲)	بررسی نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها با محوریت ماهیت فقهی و حقوقی	در حال حاضر بسیاری از اماکن یا در مواردی اشیایی که امروزه تحت عنوان اموال عمومی هستند ریشه در وقف دارند در هر حال با مردمی شدن حکومت و ثبات در آن و روندی که در جوامع امروز از نظر تداوم سیستم حکومتی وجود دارد و سیستم‌های معتبر ثبت و مدرک سازی به نظر می‌رسد که موقوفات بسیار کمتر از گذشته در معرض سوء استفاده و تبدیل وضعیت هستند و طبعاً این امر می‌تواند زمینه گسترش هر چه بیشتر وقف را فراهم آورد.
مسعودی (۱۳۹۲)	بررسی احکام فقهی تولیت در وقف از دیدگاه فقهای امامیه و شافعیه	عامل اصلی حیات سنت حسنه وقف صیانت، پاسداری و نشر این سنت از طرق مختلف در بین آحاد افراد جامعه است. زیرا ترویج در بین جامعه و انتقال این فرهنگ و سنت از نسلی به نسل دیگر موجب احیا و اعتلای جایگاه ویژه سنت حسنه وقف خواهد بود. بدیهی است که رکن بااهمیت در این موضوع، روال و شیوه محافظت از موقوفات هست. لذا در حال حاضر سازمان اوقاف و امور خیریه با اهتمام فراوان سعی در نگهداری، بازدهی مادی و معنوی و احیای این سنت می‌باشد.
هادوی (۱۳۹۰)	راهکارهای حقوقی افزایش بهره‌وری نهاد وقف	اعمال خیر از جانب مردم و برای مردم است؛ از این رو خود آنها باید در آن مشارکت داشته باشند. بدین منظور، مؤسسات و بنیادهای خیریه باید همیشه با تبلیغ و تبیین مسائل مربوط به وقف، مردم را از آن آگاه و بدان تشویق کنند، اما متأسفانه در جوامع اسلامی این کار کمتر صورت می‌گیرد. دلیل این سخن هم آن است که موقوفات جدید کمتری ایجاد شده است. در مقابل، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت اعمال خیر در غرب همین آگاهی‌بخشی مستمر به مردم است که از آنها دعوت می‌شود در اعمال خیر مشارکت داشته‌باشند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به بررسی عوامل موثر بر کاهش سنت حسنه وقف و ارائه راهکارهای نوین جهت احیاء آن می‌پردازد، روش پژوهش برحسب زمان وقوع پدیده، گذشته نگر؛ برحسب نتیجه، تصمیم‌گرا؛ برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب منطق اجرا، قیاسی و استقرایی؛ برحسب زمان اجرای پژوهش، مقطعی؛ برحسب نوع داده، کیفی؛ برحسب محیط پژوهش، کتابخانه‌ای، مصاحبه نیمه عمیق و تحلیل مضمون استفاده شده است. از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد.

جامعه آماری شامل خبرگان و مدیران و کارکنان عالی رتبه سازمان اوقاف و امور خیریه شهر تهران بودند. نمونه آماری در این پژوهش ۱۰ نفر از خبرگان و مدیران و کارکنان عالی رتبه سازمان اوقاف و امور خیریه شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شد و با روش مصاحبه از آنها عوامل موثر بر کاهش سنت حسنه وقف استخراج شد. لازم به ذکر است که پس از مصاحبه با ۱۰ نفر، جواب‌ها به یکسان سازی و اشباع رسید، در نتیجه فرایند مصاحبه متوقف شد.

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه استفاده شد. سؤالات تخصصی این بخش شامل ۹ سؤال است. در طراحی این قسمت سعی گردیده است که سؤالاتی که در طی مدت زمان مصاحبه از مصاحبه شونده پرسیده می‌شود تا حد ممکن قابل فهم باشد. ۴ سؤال آن مربوط به علل کاهش سنت حسنه وقف در جامعه می‌باشد و همچنین ۵ سؤال دیگر مربوط به چالش‌ها و راهکارهایی برای اشاعه و ترویج وقف؛ می‌باشد.

برای حصول اطمینان از روایی بخش کیفی پژوهش و به‌منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات ارزشمند اساتید و متخصصان آشنا با حوزه اوقاف و امور خیریه که در این حوزه خبره و مطلع بودند استفاده شد؛ همچنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. نتایج حاصل از بررسی اعتبار و پایایی نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل مصاحبه برابر با ۰/۷۲ است. در عین حال ضریب پایایی محاسبه شده ابعاد دو سازه اصلی نیز بیشتر از ۰/۷ شده‌اند (چالش‌ها و راهکارهایی برای اشاعه و ترویج وقف: ۰/۷۱؛ جایگاه و شرایط کنونی حاکم بر سنت حسنه وقف: ۰/۷۳). می‌توان نتیجه گرفت که مصاحبه مورد استفاده از پایایی تحقیقی لازم برخوردار می‌باشد. بنابراین مصاحبه‌های انجام شده تحقیق از نظر پایایی مورد تأیید می‌باشند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آمار استنباطی (از تحلیل مضمون) استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به تحلیل داده‌های کیفی به صورت (توصیفی و استنباطی) پرداخته می‌شود.

- توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت شناختی و متغیرهای پژوهش در بخش کیفی

برای جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی با ۱۰ نفر از روسای اداره‌های گزینش مصاحبه شد. ۳ نفر از مصاحبه شونده‌ها دارای مدرک دکتری و ۴ نفر دارای مدرک فوق لیسانس و ۳ نفر لیسانس بودند؛ ۹ نفر مرد و ۱ نفر زن بود؛ ۱ نفر دارای سابقه کار زیر ۱۰ سال، ۸ نفر بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۱ نفر نیز دارای سابقه کار بالای ۱۵ سال بودند؛ کمترین سن مصاحبه شونده‌ها ۳۵ سال و بالاترین سن آن‌ها ۶۰ سال بود، ۲ نفر از مصاحبه شونده‌ها بین ۳۵ تا ۴۰ سال سن داشتند، ۴ نفر بین ۴۱ تا ۴۵ سال و ۴ نفر بالای ۵۰ سال داشتند. در جدول ۲ مفاهیم ثانویه شناسایی شده از مصاحبه‌ها آورده شده است.

جدول ۲: مفاهیم ثانویه و شاخص‌های شناسایی شده از مصاحبه

مفاهیم ثانویه	شاخص‌های شناسایی شده
تغییر الگو و سبک زندگی	سوق به سمت فردگرایی؛ توجه به موارد زودبازده؛ عدم معرفی خوب وقف به نسل جدید؛ عدم آگاهی افزایشی و عدم توجه به میراث ناملموس؛ عدم تبیین و اعتماد سازی؛
تاثیر ناکارآمدی سیستم تفهیم و ترغیب عمومی سازمان اوقاف و امور خیریه جهت ترویج عمل وقف	ترویج وقف از طریق علم روابط عمومی؛ معرفی وقف و تاثیرات آن؛ احیای موقوفات؛ وارد کردن مفهوم وقف و معنا و تاثیرات آن در برنامه آموزشی کشور؛ برنامه‌های رادیو تلویزیونی برای معرفی برای افراد واقف با معرفی موقوفات؛ برای وقف یک جایزه مناسب ارزشی گذاشته شود؛ اجرای دقیق وقف؛ عدم تفهیم وقف به مردم؛ ایجاد یک شبکه در تلویزیون؛ برنامه محور بودن؛
جایگاه و نقش سازمانهای مردم نهاد و غیرانتفاعی در احیای سنت وقف	اطلاع رسانی مداوم صدا و سیما؛ ایجاد جهت گیری‌های مناسب در تبلیغات؛ تبدیل سمینارهای تبلیغاتی وقف به سمینار واقفان و تبلیغ موقوفات؛ خیریه خود وقف است؛ رقیب سازمانهای مردم نهاد و غیر انتفاعی؛ توسعه پایدار دو سویه؛ رقیب بودن برای سازمان وقف و امور خیریه؛

اشاعه سنن شرعی همچون وقف	شفاف کردن نحوه هزینه کردن موقوفات؛ تدریس احکام وقف؛
رفع چالش‌های موجود در جامعه	وقف به شدت ظرفیت کارافرینی دارد؛ ترویج اصل وقف، موقوفات، نحوه استفاده کردن مردم و شیوه هزینه وقف؛ یکی بودن مدل اقتصادی وقف و مدل اقتصاد اسلامی؛ مدل اقتصادی وقف؛
وجود طرح و یا لایحه‌ای در قانون	جهت‌گیری تشویق باید جامعه باشد نه فرد واقف؛ مشخص کردن شیوه‌های مدیریتی وقف؛ نظارت بر وقف؛ تدریس وقف؛ معافیت‌های مالیاتی - اعطای نشان فداکاری. خدمت و...؛ بخشودگی مالیاتی؛ نگاه عمرانی و رویکرد فرهنگی؛
فرهنگ‌سازی وقف توسط رسانه‌ها	از علوم جدید و امکانات جدید روابط عمومی باید استفاده کرد؛ دیده شدن عملیاتی موقوفات؛ معرفی بازخوردها از وقف در رسانه؛ نگاه تخصصی روابط عمومی؛
دلایل رغبت کمتر مردم نسبت به وقف	وجود نگاه حاکمیتی؛ نقش مثبت و موثری؛ عدم اطمینان مردم به وقف؛ عدم اعطای حق موقوفات توسط نهادهای دولتی؛ عدم اطلاع رسانی درست؛
اقدامات نهادهای دینی و مذهبی	با محتوای خاص به مخاطبان پیام دهند؛ معافیت مالیاتی موقوفات؛ باید از حالت شعارزدگی بیرون بیایند؛ داشتن نگاه مالکانه به وقف؛ مطلع ساختن مردم از برکات و نتایج وقف؛

سایر پیشنهادات	ایجاد رشته جدیدی در دانشگاه با موضوع وقف؛ جایگزینی وقف کلاسیک با موارد جدید مانند وقف کتاب؛ طرح موارد استهلاکی؛ جایجایی موقوفات با موارد دیگر؛ سهیم کردن افراد استفاده کننده از وقف در خود موقوفه؛ حوزه فیلم و سریال؛ میزگردهای علمی و کرسی های علمی؛ بهبود عملکرد سازمان؛ جلب اعتماد مردم؛ شناسایی خانواده های متمول؛ عمل به صورت زنجیره ای؛
----------------	--

شاخص های شناسایی شده همان گزاره های کلامی هستند که از پاسخ به سوالات به دست آمده و بعد از استخراج کلیه این گزاره های کلامی، برخی دارای اشتراک بودند که براساس ادبیات و مبانی نظری موجود دسته بندی شدند و براساس آن مفاهیم ثانویه شکل گرفتند.

استنباط آماری داده ها

سوالات:

به نظر شما تغییر الگو و سبک زندگی در جامعه امروزی چه تاثیری بر سنت وقف در اجتماع گذاشته است؟

بر اساس یافته های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت پنج مورد شامل گرایش جامعه به سمت فردگرایی، تمایل فکری مردم به سوی عوامل زود بازده، عدم معرفی خوب وقف به نسل جدید، عدم آگاهی افزایی و عدم توجه به میراث ناملموس و عدم تبیین و اعتماد سازی مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه بندی آنها را بیان می نماییم.

گرایش جامعه به سمت فردگرایی: در روزگار کنونی در جامعه ایران به لحاظ ماهیت اقتصادی و سبک زندگی و همچنین الگوبرداری های چندگانه باعث شود تا رویکرد زندگی افراد نیز به سمت اتکا به خود و یا فردگرایی گرایش یابد. این مهم به این دلیل است که رسانه ها مستقیم و یا غیرمستقیم تلاشی برای اهمیت جلوه دادن کار و تلاش دولت و مردم ندارند و لذا تمایل آحاد جامعه به سوی یک تازی و یا گریز از امور گروهی امری بدیهی است. همین عامل نیز باعث می شود که سنت وقف که یک امر عام المنفعه و به نوعی گروهی است، زیرا منافع آن نصیب طیف وسیعی از جامعه شود، رو به انحطاط رود.

تمایل فکری مردم به سوی عوامل زود بازده: یکی دیگر از پارامترهایی که در کاهش سنت وقف نقش دارد همین موضوع می‌باشد. از آنجایی که اعمالی همچون وقف تأثیر آن در دراز مدت ممکن است رخ دهد، بیان آن و نظاره نتایج و پیامدها و آثار آن برای عموم مردم امکانپذیر نیست. زیرا در دنیای امروز، آحاد افراد جامعه به سمت و سوی اموری گرایش دارند تا در کوتاهترین حالت زمانی بتوانند خروجی آنرا مشاهده نمایند. اما امور وقفی بدین گونه نیست که همین عامل به نوعی سبب انزوای سنت وقف گردیده است.

عدم آگاهی افزایی و عدم توجه به میراث ناملموس: کاهش آگاهی مردم نسبت به کارکردها و جایگاه اجتماعی و فردی سنت وقف موجب کاهش درک و فراموش شدن سنت وقف شده است. همچنین کاهش موقوفات از سوی مردم به عنوان یکی از معیارهای بجای ماندن یک میراث جاویدان، موجب شده است تا مردم نسبت به دید یک پدیده موهوم بنگرند. بدیهی است چنین کاهش آگاهی و سطح بینش موجب تنزل گسترش سنت وقف خواهد شد.

عدم تبیین و اعتماد سازی: به دلیل عدم گستردگی سنت در بین جامعه، و نبود آگاهی همه مردم در مورد کارکرد سازمانهای متولی امر وقف، موجب شده است تا به نوعی عدم اطمینان کافی در بین آحاد افراد جامعه نسبت به وقف صورت پذیرد زیرا تبیین کارکردهای وقف بر طبق روال منطقی انجام نمی‌پذیرد. عدم معرفی خوب وقف به نسل جدید: به لحاظ اینکه در پیرامون زندگی کنونی افراد و تامین همه مایحتاج زندگی اجتماعی مردم، دولت در صدر قرار دارد و همه امور عمرانی و یا عام‌المنفعه با سازماندهی دولت انجام می‌شود لذا امور وقفی برای نسل جدید در جامعه به نوعی بیگانه و ناآشنا هست. لزوم تعریف و تبیین کارکرد، کاربرد و بیان آثار و مواهب آن برای جامعه امروز علی‌الخصوص آینده‌سازان کشور، امری بدیهی در جهت احیای سنت وقف خواهد بود.

به نظر شما، ناکارآمدی سیستم تفهیم و ترغیب عمومی سازمان اوقاف و امور خیریه جهت ترویج عمل وقف تا چه حد می‌تواند بر نشر آن تأثیر داشته باشد؟ چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید.

بر اساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد شامل ترویج وقف، معرفی وقف، احیای موقوفات، تفهیم وقف و معنا و تأثیرات آن، وقف و رسانه، تجلیل از واقفان و برنامه محور بودن وقف، مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نماییم.

برنامه‌های رادیو تلویزیونی برای معرفی افراد واقف با معرفی موقوفات: ایجاد برنامه‌های متنوع تبلیغاتی و آشناسازی وقف از طریق رسانه در قالب برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در تأثیر ماندن مثبت بر افکار عمومی نسبت به سنت وقف؛ نتایج بهتری خواهد داد. رسانه اصولاً در بین جوامع به عنوان ابزاری است که در باور و ضمیر ذهنی و فکری مردم نقش دارد. هر چه میزان برنامه‌ریزی در رسانه به منظور استفاده از آن در احیای سنت وقف بیشتر باشد، نتایج بهتری را به همراه خواهد داشت.

احیای وقف: اجرای برنامه‌های از پیش تعریف شده با ماهیت معرفی وقف و همچنین تدوین راهکار جهت سهولت اجرای امور مربوط به وقف سبب آن خواهد شد تا گرایش به سوی وقف توسعه یابد. احیای وقف می‌تواند با تعریف یکسری الگوهای آغاز شود. اسوه‌هایی همچون برنامه‌های نمادین، تدوین برنامه‌های سازمان‌یافته و... همه و همه می‌توانند نمود احیای وقف را به منظور رشد استقبال مردم از سنت وقف داشته باشد.

تعیین جایزه ارزشی برای وقف: بدیهی است که هر زمان کاری را ارج نهم بازتاب گسترده‌ای در اجتماع و جامعه خواهد داشت و به نوعی تبلیغ غیرمستقیم محسوب می‌شود. میتوان از این راه نیز واقفان را به مردم شناساند و از طرفی جذب واقفان جدید نمود. زیرا ستودن، نوعی ارزش‌گذاری است.

اجرای دقیق وقف: اگر همانطور که در قاموس شرع و عرف نهاده شده است به وقف عمل شده و به صورت دقیق و منسجم به ارکان آن عمل شود، به صورت تصاعدی روند افزایش شمار واقفان را خواهیم داشت. زیرا همه به دنبال اثر و نتیجه هستند برای اینکه جذب یک سیستم شوند. اجرای درست امور وقف، میتواند این ارمان را حاصل نماید.

عدم تفهیم وقف به مردم: از معضلات کاهش گرایش به مردم نبود مکانیسم تفهیم پیامدهای مثبت وقف به مردم و همچنین تضرر انباشت منابع مالی است. مرتفع سازی این مهم و بیان محاسن آن به ترفیع گرایش به سوی وقف کمک خواهد کرد.

ایجاد یک شبکه در تلوزیون: اگر وقف را کاری بزرگ و ارزنده جلوه دهیم، می‌بایست ابزار تبلیغ آن نیز بزرگ باشد. ایجاد شبکه تلویزیونی پتانسیل یک ابزار کارآمد در زمینه وقف را خواهد داشت.

برنامه محور بودن: نظم برنامه‌های و روال اجرایی و همچنین ترتیب کاری از روی برنامه‌های تدوین شده موجب می‌شود تا در زمینه وقف بتوان چشم‌انداز تعریف کرد و در نهایت دستاوردهای کلانی را شاهد خواهیم بود.

ترویج وقف از طریق علم روابط عمومی: ترویج سنت حسنه وقف یکی از فاکتورهایی است که موجب رشد افزاینده گرایش به سمت احیا و اجرای این سنت خواهد شد. ترویج وقف می‌تواند از طرق مختلفی صورت پذیرد. ترویج یک برنامه چند بعدی است که هر رکن آن به نحوی زمینه گرایش افراد را نسبت به وقف موجب می‌شود.

معرفی وقف و تاثیرات آن: معرفی و تبیین وقف یک روال استاندارد برای تبلیغ موثر در گسترش این سنت می‌باشد. معرفی می‌بایست به طور کامل و جامع انجام شود. زیرا هر جنبه از این امر سبب بازدهی و افزایش تمایل مردم به سوی وقف می‌شود. این امر بدیهی است. هر عاملی که در جامعه به نحو احسن تعریف و تبیین و معرفی گردد؛ قشری از جامعه در جهت تحصیل آن در تلاش خواهند بود. لذا معرفی دقیق عامل رشد سنت وقف خواهد شد.

تفهیم معنا و مفهوم وقف و تاثیرات آن در برنامه آموزشی کشور: بیان آثار و پیامدهای وقف در خلال تعریف مفاهیم شرعی و عرفی وقف موجب ارتقاء سطح آگاهی اقشار جامعه نسبت به موضوع سنت حسنه وقف خواهد گردید. تبیین مفاهیم از جمله نکاتی است که می‌تواند مسائل حاشیه و جانبی وقف را نیز شامل شود و مردم نسبت به آنها نیز آشنا گردند. هر چه میزان درک و تفهیم مفاهیم وقف در مردم از جایگاه پایین‌تری برخوردار باشد بدیهی است که وقف نیز منزوی باقی بماند. به نظر شما جایگاه و نقش سازمانهای مردم نهاد و غیرانتفاعی در احیای سنت وقف چگونه خواهد بود؟ تشریح نمایید.

بر اساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد شامل هم پیمانی ارگانهای مختلف، اطلاع رسانی مداوم صدا و سیما، ایجاد جهت‌گیریهای مناسب در تبلیغات، تبدیل سمینارهای تبلیغاتی وقف به سیمینار واقفان و تبلیغ موقوفات، واقف بودن خود خیریه، رقیب بودن سازمانهای مردم نهاد و غیرانتفاعی، توسعه پایدار دو سویه رقیب بودن برای سازمان وقف و امور خیریه مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نمایم.

توسعه پایدار دو سویه: می‌بایست سازوکاری اندیشیده شود که هم سازمانهای مردم نهاد و خیریه‌ها و همچنین سازمان اوقاف و امور خیریه به صورت دو رکن میزبانی از واقفان به صورت تعاملی و ارتباطی با هم کار کنند تا وقف اعتلا یابد.

رقیب بودن برای سازمان اوقاف و امور خیریه: از آنجا که سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی اصلی در امور وقف فعالیت می‌کند و انتظار می‌رود که واقفان با این سازمان در ارتباط باشند، اما وجود سایر نهادها و سازمانهای هم‌رده و هم‌کلاس می‌تواند استقبال و رجوع عموم افراد به سازمان اوقاف و امور خیریه را به مخاطره بیندازد و این ایجاد دو دستگی به نوعی تهدیدی باشد برای کاهش احیای سنت حسنه وقف.

اطلاع رسانی مداوم صدا و سیما: تولید برنامه‌های صدا و سیما در جهت معرفت‌شناسی سنت وقف گامی مثبتی در جهت اطلاع‌رسانی مستقیم و غیرمستقیم افراد جامعه است. زیرا نهاد صدا و سیما با پتانسیلی که دارد زمینه مساعدی می‌تواند ایجاد نماید با بهره‌گیری از آن افکار عمومی را به سوی احیای این سنت حسنه گرایش دهد. اطلاع رسانی از آخرین دستاوردهای سازمان اوقاف و امور خیریه و دیگر سازمانهای موازی و همچنین نقاط بیان ضعف و قوت نقطه عطفی است در جهت احیا و اعتلای سنت حسنه وقف.

رقیب سازمانهای مردم نهاد و غیرانتفاعی: ایجاد خط و مرز بین سازمانهایی که در یک راستا فعالیت می‌کنند میتواند در نظر افکار عمومی نوعی رقیب و حریف به شمار آیند؛ فارغ از اینکه چنین سازمانهایی اقدامات موازی انجام می‌دهند. حمایت و گذر از فعالیتهای موازی و همه‌گیر بودن فعالیتهای سازمانی و تلفیق و ترکیب آنان موجب تعالی کار خواهد شد. در صورتی که قرار باشد چندین سازمان همزمان با هم در جریان امور وقف عمل نمایند؛ طبیعی است که کاهش گرایش مردم را نتیجه خواهد داد.

هم پیمانی با ارگانهای هم طراز: سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند با دیگر سازمانهای هم رده که به لحاظ کاری موازی هستند، همکاری نماید. این همکاری و تعامل و اتحاد کاری موجب می‌شود که اتحاد افراد جامعه از چنددسته‌گی و پراکندگی در امور کمک‌رسانی و موقوفات رهایی یابند. همین عامل موجب می‌شود تا گرایش به سوی وقف فزونی یابد زیرا اجماع و هم‌پیمانی سازمانها در امور خیر و وقف باعث تعالی آن خواهد شد.

ایجاد جهت‌گیری‌های مناسب در تبلیغات: می‌بایست در تبلیغات واقفان و وقف، روند هدفمند و جهت دهی مناسب صورت گیرد تا به جذب تعداد واقفین بینجامد. تبیین سیاستهای یک جانبه‌گرایی و جناحی می‌تواند بسیار مهلک و خطرناک باشد و مانعی برای گسترش وقف شود.

تبدیل سمینارهای تبلیغاتی وقف به سمینار واقفان: ایجاد ساختار صحیح و منطقی برای جلوگیری از همایشهای بی‌جهت و صرفاً فرمایشی و نمایشی و هدایت آنها به سوی یک برنامه جامع و مدون به منظور تشویق و ترغیب واقفان به عرصه وقف

خیریه خود وقف است: از آنجا که نهادهای خیریه‌ای به صورت فعلی و پتانسیل وقف هستند، یک رقیب جدی برای کاهش مراجعات واقفان به عرصه وقف محسوب می‌شود
یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهشگرانی همچون جواد (۱۳۸۰)، احمدی میانجی (۱۳۸۹) بشیر (۱۳۸۲) و... مطابقت دارد.

نظام آموزشی و سیستم تعلیمی کشور، برای انجام رسالت خود مبنی بر اشاعه سنن شرعی همچون وقف چه اقداماتی انجام داده است؟ نقاط ضعف و قوت این موضوع را بیان نمایید.
براساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت سه مورد شامل فاقد عملکرد، شفاف کردن نحوه هزینه کردن موقوفات، تدریس احکام وقف مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نمایم.

فاقد عملکرد: می‌توان بیان کرد که به طور صریح در نظام تعلیمی و آموزشی کشور، ترویج وقف جایی ندارد، مگر اینکه به طور گذرا و ضمنی به آن اشاره‌ای شده باشد. در حالیکه نظام تعلیمی ما از مبانی و مفاهیم شرعی و دینی دور نیست؛ اما وجود چنین شکافی که در نظام آموزشی به احسن وجه در چارچوب درسی و ترویجی آموزشی کشور نهاده نشده است؛ می‌تواند سبب کاهش گرایش و نشان ندادن تمایل مردم به وقف باشد.

لزوم شفاف‌سازی: بدیهی است که هر چه میزان تبیین کارکردهای سازمانهای متبوع در جهت سنت وقف؛ از شفافیت بیشتری برخوردار باشد؛ احیا و گرایش به سوی وقف فزونی خواهد یافت. نظام تعلیمی و آموزشی کشور به عنوان رأس هرم تعیین جهت فکری جامعه می‌تواند تاثیر شگرفی در این زمینه داشته باشد. شفافیت در همه جنبه‌های کاری و هزینه‌ای و امور مربوط به وقف؛ اعتماد سازی عمومی را نیز نتیجه خواهد داد و در پی آن سنت وقف نیز گسترش خواهد یافت.

لزوم تدریس احکام وقف: یکی از راههای ترویج وقف بیان احکام الهی این سنت نیکو خواهد بود. تبیین صحیح دستورات دینی پیرامون وقف و همچنین جنبه‌های روایی آن موجب خواهد شد که ارتقا آگاهی عمومی افراد را در پی داشته باشد. اصولاً انسانها هنگامی که نسبت به موضوع آشنایی بیشتری داشته باشند و عمق مسائل را درک نمایند؛ گرایش برای انجام و اجرای آن، بیشتر از خود نشان خواهند داد. مادامیکه احکام شرعی برای مقلدین ابهام داشته باشد، تمایل به انجام آن نیز رونقی نخواهد داشت.

چالشها و راهکارهایی برای اشاعه و ترویج وقف

جایگاه ترویج مدل اقتصادی وقف به منظور رفع چالش‌های موجود در جامعه چه آثار و پیامدهایی برای واقفان خواهد داشت؟

براساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد ظرفیت کارافرینی وقف، ترویج اصل وقف، موقوفات، نحوه استفاده کردن مردم و شیوه هزینه وقف؛ یکی بودن مدل اقتصادی وقف و مدل اقتصاد اسلامی و در نهایت مدل اقتصادی وقف مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نماییم.

وقف به شدت ظرفیت کارافرینی دارد: یکی از پارامترهای قابل توجه در زمینه وقف ایجاد رشد و کارآفرینی نهفته در آن است. زیرا عموماً وق به صورت یک کار اقتصادی نمود پیدا می‌کند که در اثر انجام درست و صحیح اجرای آن می‌تواند زمینه اشتغال به کار، اعتلای اقتصادی و... را فراهم آورد که این اصل از برکات وقف است.

مدل اقتصادی وقف: بهره‌برداری از موقوفات در قالب کارها و امور اقتصادی و مادی علارغم کمک به اقتصاد دولت و ملت، زمینه ایجاد انگیزه را در بین مردم ایجاد می‌کند. زیرا هر کار مثبتی که دارای خواص و آثار خیررسانی عمومی باشد با استقبال جامعه روبرو خواهد شد. خداوند در نهاد این فعل حسنه؛ پتانسیلی را قرار داده است تا ضمن رشد اقتصادی جامعه‌ای که ر آن وقف صورت می‌گیرد، عموم مردم و دولتها نیز از محاسن و مزایای آن مستفید شوند. لذا در خلال کاربری اقتصادی؛ زمینه ایجاد انگیزه و احیا به منظور گسترش سنت حسنه وقف نیز وجود خواهد داشت.

ترویج اصل وقف، موقوفات، نحوه استفاده کردن مردم و شیوه هزینه وقف: دوری گزینی از حاشیه‌های امر وقف و توجه به اصل شرعی وقف می‌تواند اعتماد سازی را در پی داشته باشد در جامعه. تبیین معارف اصیل وقف، محاسن و آثار مثبت وقف در جامعه و اینکه اقشار مختلف اجتماع به چه نحو می‌توانند از یک موقوفه استفاده اقتصادی و عمومی داشته باشند، به خودی خود خواهد توانست زمینه رغبت عامه مردم را به سوی این امر نیکو جلب نماید.

یکی بودن مدل اقتصادی وقف و مدل اقتصاد اسلامی: بدیهی است که وقف یک مدل اقتصاد اسلامی است. زیرا ریشه آن بنا به مزایای اقتصادی و محاسن عبادی- مادی زندگی بشر قرار داده شده

است. اصولاً اصول و عقاید اسلامی که در قالب یک فعل تعریف می‌شود؛ در جهات برداشت و استفاده درست از آن، روال اجرایی آن نیز توسط اولیاء الهی تبیین خواهد شد. لذا می‌توان نتیجه گرفته که بروز جلوه‌های کارکرد اقتصادی وقف به صورت بالفعل زمینه جذب واقفان و احیاء سنت حسنه وقف را در پی خواهد داشت.

به نظر شما چه طرح و یا لایحه‌ای در قانون گنجانده شود تا به کمک آن بتوان شاهد گسترش سنت وقف بود؟ (بعنوان مثال طرحهای تشویقی - بخشودگی)

براساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد شامل جهت گیری تشویق به سوی جامعه، مشخص کردن شیوه‌های مدیریتی وقف، نظارت بر وقف، تدریس وقف، معافتهای مالیاتی - اعطای نشان فداکاری. خدمت و . . . ، بخشودگی مالیاتی و نگاه عمرانی و رویکرد فرهنگی مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نماییم.

جهت گیری تشویق باید جامعه باشد نه فرد واقف: اگر قرار باشد جهت تشویق و ترغیب وقف؛ برنامه‌هایی از سوی سازمانهای ذینفع برگزار گردد، بهتر آن است که صرفاً اکتفا به یک فرد یا گروه خاصی از جامعه پرداخته نشود. زیرا نمود منفی و جهت گیری جناحی از آن متصاعد خواهد شد. نیک آن است تا فواید عمومی جامعه در نظر گرفته و بر طبق آن مولفه‌ها، برنامه‌های حمایتی و تشویقی صورت پذیرد.

مشخص کردن شیوه‌های مدیریتی وقف: مشخص کردن چارچوب و قاموس کلی ساختار مدیریتی وقف و همچنین تولید یک محتوای مدیریتی شاخص و کارآمد می‌تواند ضمن بهره‌برداری بهینه‌تر از پتانسیل موقوف و موقوفات در دسترس سازمان اوقاف و امور خیریه؛ می‌تواند اعتماد واقفان و دیگر کسانی که تمایل به مشارکت در این امر خداپسندانه دارند را در پی داشته باشد و سبب گسترش اجرای سنت وقف گردد.

نگاه عمرانی و رویکرد فرهنگی: فراهم‌سازی رویکرد و نگاه عمرانی و فرهنگی در وقف ضمن برخورداری از منافع آن جهت بهره‌مندی عمومی جامعه؛ امکان زمینه‌ساز شدن رشد موقوفات را در چارچوب یک مکانیزم صحیح و روشن؛ ممکن می‌سازد.

نظارت بر وقف: حسن اجرای دقیق و منظم وقف و امور وابسته به آن با برنامه‌های نظارتی مختلف میتواند مانع از هدر رفت منابع وقفی شود که این امر منجر به استفاده بهینه و فعلیت وقف خواهد شد. زمانیکه این مهم تحقیق یابد، بدیهی که واقفان نیز با درجه اطمینان خاطر بالاتری راغب به وقف می‌شوند.

لزوم تدریس وقف: تدریس به صورت دروس شفاهی و رفتاری یکی از ارکانی است که در ضمن خدمت به امور وقف واقفان از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه؛ می‌تواند زمینه آموزشی برای دیگران را نیز به ارمغان آورد. لذا همکاری همه‌جانبه سازمان‌های دخیل در امر وقف می‌تواند زمینه ارتقاء آگاهی عمومی را نسبت به وقف در بین جامعه به وجود آورد.

اعطای نشان فداکاری، خدمت و... با هر رویکردی که سازمان اوقاف و امور خیریه و به طور کلی دولت بتواند از واقفان حمایت نماید و در برنامه‌های مختلف از آنان تقدیر شود، یک نوع تبلیغ محسوب شده که می‌توان به احیای سنت حسنه وقف در پیامد آن، امیدوار بود.

ضرورت بخشودگی مالیاتی: بخشودگی و معافیت مالیاتی برای واقفان می‌تواند به عنوان یک ارزش‌گذاری به این امر تلقی شود و در نهایت موجب تشویق واقفان و احیای سنت حسنه وقف گردد. به نظر شما برای فرهنگ‌سازی وقف توسط رسانه‌ها برای آشنایی با روال حقوقی و شرعی وقف چه اقداماتی باید انجام داد؟

براساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد شامل استفاده از علوم جدید و امکانات جدید روابط عمومی، دیده شدن عملیاتی موقوفات، معرفی بازخوردها از وقف در رسانه و نگاه تخصصی روابط عمومی مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نمایم.

استفاده از علوم جدید و امکانات جدید روابط عمومی: از آنجایی که وقف یک امر عمومی است که می‌توان در کل جامعه آن را نشر داد، لذا فراهم نمودن یک رویکرد مناسب و منطقی در جهت ارتباطات مردمی و سازمانی و استفاده از امکانات روز ارتباطی و علوم مرتبط در این حوزه می‌تواند به تسهیل ارتباطات بین سازمان اوقاف و امور خیریه و همچنین مردم و واقفان بینجامد. گسترش سطح ارتباطات خود زمینه‌ساز مشارکت جنبی و به مرور زمان مشارکت‌های کلانی را در خصوص وقف و موقوفات برجای خواهد گذاشت. از این رو بکارگیری علوم جدید روابط عمومی منجر به افزایش تعداد واقفان و مشارکتهای عمومی خواهد شد.

نگاه تخصصی روابط عمومی: بها دادن و ژرف‌نگری به مقوله وقف در قالب کاربرد روابط عمومی و ارتباطات در اعتلا و رشد جذب و ایجاد زمینه رغبت و تشویق واقفان به وقف؛ امری واجب و حیاتی است. این مهم نیز با استفاده از یک رویکرد تخصصی و اعتماد همه جانبه به علم روابط عمومی حاصل خواهد شد. چرا که جریان اصلی حیات سازمان‌هایی که کاملاً منطبق بر جریان‌های مردمی است، ارتباط آنهاست. اگر این جریان و جریان به صورت اختصاصی و کارشناسانه مورد بررسی قرار بگیرد، پیامدهای مثبتی را در امر احیای سنت حسنه وقف شاهد خواهیم بود.

دیده شدن عملیاتی موقوفات: به هر میزان تبلیغات موقوفات برای جلوه دادن و بروز آثار آن در جامعه از طریق کارکردهای وقف افزایش یابد، رغبت به وقف از سوی مردم نیز بیشتر خواهد شد. به عنوان مثال آحاد مردم در جریان عملیاتی در خصوص ابنیه وقفی، اعمار موقوفات و بهره‌برداری از آن قرار گیرند. زیرا جریان کار موقوفات این اطمینان را می‌تواند برای سایرین حاصل نماید که سازمان اوقاف و امور خیریه، بر ساخت و ساز و... نظارت دارد. این حسن ظن در بین مردم نسبت به موقوفات آنان، می‌تواند رشد چشمگیری را در عرصه موقوفات فراهم آورد.

معرفی بازخوردها از وقف در رسانه: گنجاندن آثار و پیامدهای حاصله از وقف در برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای و بیان بازخوردهای مثبت منتج شده از وقف می‌تواند به افزایش مخاطبین خاص در امر وقف کمک کند. این جریان می‌تواند به صورت برنامه‌های مناسبی و یا برنامه‌های از پیش تعریف شده در رسانه‌های جمعی صورت پذیرد.

چه اعمال و افعالی از طرف سازمان‌ها و یا نهادهای دولتی دخیل در موضوع وقف، سبب شده است تا عامه مردم نسبت به سنت وقف رغبت کمتری نشان دهند؟ (دلایل کاهش استقبال از وقف در بین مردم) براساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد شامل وجود نگاه حاکمیتی، وجود نقش مثبت و موثر، عدم اطمینان مردم به وقف، عدم اعطای حق موقوفات توسط نهادهای دولتی و عدم اطلاع‌رسانی دقیق؛ مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نمایم.

وجود نگاه حاکمیتی: استفاده از روال و بوروکراسی اداری و همچنین وضع نمودن یکسری قوانین دست‌وپا گیر که بیشتر نگاه حکومتی در آن متبلور است تا نگاه مردمی، موجب شده است که عموم مردم تمایلی به وقف نشان ندهند. همچنین ناآشنا بودن با این قوانین حکومتی نیز نگرش منفی مضاعفی را در حیطه وقف ایجاد نموده است.

نقش مثبت و موثر: اگر سازمان‌هایی مثل سازمان اوقاف و امور خیریه نتوانند نقش کارآمد و موثری را از خود نشان دهند، به طور واضح نمی‌توان انتظار داشت که واقفان جذب شوند و به اعتلای سطح وقف در کشور کمک نمایند. زیرا تبلور کار مثبت و نقش صحیح از سازمانی که متولی امر وقف است، همانند برجسب می‌تواند در انظار عمومی جلوه نماید. در صورت عدم کارکرد درست و ایفای نقش مثبت از سوی چنین سازمانی، به طور خودکار کاهش رغبت به سوی وقف صورت خواهد گرفت.

عدم اطمینان مردم به وقف: وقف و موقوفات به صورت ابنیه و دیگر مولفه‌های عمرانی یا اقتصادی اگر ظهور نماید، می‌بایست اطمینان و اعتمادسازی صورت پذیرد. اما در برهه‌ای از زمان این مقوله دچار افت گردیده و به نوعی اطمینان مردم نسبت به وقف کاسته شده است. از دست رفتن اعتماد عمومی مردم به وقف به صورت کامل و روشن زمینه دوری‌گزینی از وقف از جانب مردم را در پی دارد.

عدم اعطای حق موقوفات توسط نهادهای دولتی: از آنجا که وقف یک فعل مردمی است و اصولاً دولت و حاکمیت در حق این موقوفات حق اعطا و واگذاری را ندارد؛ لذا یکسری از امور ممکن است با کاهش روند اجرایی روبرو شود که در نهایت منجر به نارسائی سازمانی و کاهش موقوفات بینجامد. عدم اطلاع‌رسانی درست: از آنجایی که سازمان اوقاف و امور خیریه و دیگر سازمان‌های هم طراز در این حوزه، به طور پیشفرض کارکردهای موقوفات خود را صراحتاً اعلام و تبیین نمی‌دارند و همچنین مردم نیز در جریان آنها قرار ندارد و اطلاع‌رسانی مبرهنی نیز ندارند، نتیجه این عوامل چیزی جز کاعش‌گرایی و احیای سنت وقف را در پی نخواهد داشت.

نهادهای دینی و مذهبی به کمک چه اقدامات و برنامه‌های عملی می‌توانند در احیای سنت وقف سهیم باشند؟

براساس یافته‌های بدست آمده و مطالعاتی که در زمینه ادبیات این حوزه صورت گرفت چندین مورد شامل پیام‌رسانی با محتوای خاص به مخاطبان وقف، معافیت مالیاتی موقوفات، خروج حالت شعارزدگی، داشتن نگاه مالکانه به وقف و مطلع ساختن مردم از برکات و نتایج وقف مشخص گردید که در ذیل بر اساس رتبه‌بندی آنها را بیان می‌نماییم.

با محتوای خاص به مخاطبان پیام دهند: اطلاع‌رسانی در خصوص وقف توسط روحانیون و اشخاصی که متولی امور مذهبی و تبلیغات دینی هست، می‌بایست در بستر سازوکارهای خاصی انجام گیرد. زیرا چنین افرادی مخاطبین ویژه و گاهاً عمومی دارند. لذا نیاز هست تا در هر جمع از ابراز و گفتمان و تبیین مختص به آن در حوزه تبلیغ وقف استفاده شود.

معافیت مالیاتی موقوفات: بخشودگی مالیاتی نسبت به موقوفات می‌تواند به طور کلی هزینه‌های جانبی موقوفات را فراهم نماید. زیرا در برخی موارد ممکن است مالیات، بر موقوفات سبب کاهش رغبت عمومی برای اجرای این سنت حسنه شود. در صورتی که اگر این معضل مرتفع گردد می‌توان به احیای منطقی سنت حسنه وقف امیدوار بود.

داشتن نگاه مالکانه به وقف: نهاد و سازمانهای مختلف می‌توانند بر حسب موقوفات مختلف از ابنیه و اعمارهای مختلف وقفی، طوری حفاظت و صیانت نمایند که رویکرد و نگاه آنان مالکانه باشد. منظور از مالکانه بودن این هست که بیان مبلغان دینی و سازمانهای دخیل در این امر به گونه‌ای باشد که همه این ذهنیت را در افکار خویش پیروارند که موقوفات را می‌بایست همانند مایملک شخصی و خصوصی خویش پاسداری و حراست نماییم. در صورت ترویج این فرهنگ و تفکر شاهد گشتی احیای وقف خواهیم بود.

مطلع ساختن مردم از برکات و نتایج وقف: از دیگر وظایف مبلغان، مروجین و دیگر نهادهای دخیل در حوزه وقف‌ریال آشناسازی اذهان عمومی و تبیین محاسب و کارکردهای نیکوی موقوفات به عامه مردم هست. هرچه این بیان شیوا و رسا باشد، فهم و درک مردم بیشتر شده و شوق وقف در همه به اندازه توان آنها، بروز خواهد نمود. باید با یک رویکرد مهندسی فکر، جایگاه، شأن و کار و برکت آن را در ذهن مردم حک کرد. زیرا مردم نسبت به آنچه آشنایی روحی، فکری و ذهنی دارند بیشتر رغبت جهت انجام آن نشان می‌دهند.

خروج از حالت شعارزدگی: ترتیب اثر دادن برنامه‌هایی از سوی سازمانهای متولی امور وقف که با محتوای اصولی آن منطبق و قابل اجرا باشد و همچنین پرهیز از حالت شعارزدگی و بیان برنامه‌ها و راهکارهای بی‌اساس می‌تواند زمینه‌ساز جلب اعتماد عمومی مردم و واقفان برای اشتراک ورزیدن در این فعل خداپسندانه و احیای سنت حسنه وقف باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

داده‌های تحقیق از جامعه آماری خبرگان و مدیران و کارکنان عالی رتبه سازمان اوقاف و امور خیریه شهر تهران با استفاده از مصاحبه گردآوری شده و با تحلیل عاملی اقدام به بررسی پرسش‌های پژوهش شده است. در این پژوهش به بررسی دلایل عدم گسترش سنت حسنه وقف پرداخته شد و ۴ دلیل عمده و ۵ راهکار برای اشاعه و ترویج وقف شناسایی شد.

سنت حسنه وقف یکی از گونه‌های تعاون و انفاق است که در شرع مقدس اسلام به آن بسیار زیاد سفارش شده است. همچنین پیامبران و اولیا خدا نیز به این امر اهتمام ویژه‌ای داشتند. از دیرباز در ایران نیز این سنت یکی از شاخصه‌های انفاق به صورت عام‌المنفعه بوده است. اما در روزگار کنونی، وقف به نوعی به حاشیه رفته و تا حدودی به دست فراموشی سپرده شده است. دلایل زیادی را می‌توان در این امر دخیل نمود. اما همانطور که در متن این تحقیق به آنها اشاره گردید؛ برخی از این دلایل بیشتر متوجه سازمان‌هایی هست که در امر وقف دخیل هستند و همچنین برخی از دلایل به رفتار اجتماعی مردم نسبت به وقف بر می‌گردد. یکسری از اقداماتی که سازمان‌ها می‌بایست در اجرای هر چه بهتر شدن گسترش سنت وقف انجام دهند و به نوعی از آن عدول کرده و یا نادیده گرفته‌اند در قسمت قبل به طور مشروح به آن پرداخته شد. عواملی همچون عدم تبیین به موقع در خصوص آثار و کارکردهای وقف در جامعه و یا عدم برنامه‌ریزی دقیق نسبت به اجرای سنت وقف و یا اطلاع‌رسانی صحیح برنامه‌های وقف و عدم مشارکت جدی سازمان‌هایی همچون صدا و سیما نسبت به تبلیغات صحیح و برنامه‌های جانبی دیگر، بخشی از این بی‌مهری‌هایی است که در راه اشاعه سنت وقف همچون یک مانع وجود دارند. از طرفی گرایش‌های مردمی به سمت فردگرایی و یا تغییر الگوی زندگی و تمایل به اموری که بازدهی و خروجی آثار آنها به نوعی آثار ماتقدم باشد و ترجیح دادن چنین اموری نسبت به سنت حسنه وقف که آثار آن ممکن است در دراز مدت رخ دهد، همه اینها بخشی از معیارهایی است که در جریان عدم گسترش درخور این سنت پسندیده و نیکو دخیل باشند. امید است تا با رفع این موانع و معضلات شاهد نشر و ترویج این رسم خداپسندانه در کشور باشیم.

در این پژوهش عوامل مؤثر بر احیای سنت حسنه وقف بررسی گردید که در ادامه و در این راستا، پیشنهادها زیر نیز بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود:

پیشنهادهای کاربردی پژوهش:

- شناسایی خانواده‌های متمول به منظور مشارکت هر چه بیشتر در سنت حسنه وقف
- جایگزینی وقف کلاسیک با موارد جدید مانند وقف کتاب
- جابجایی موقوفات با موارد دیگر به منظور رشد مشارکت همه‌جانبه مردم. زیرا کارکرد وقف هم ابعاد اقتصادی و هم مادی (اجتماعی) و معنوی (اخروی) را در بر می‌گیرد.

- تبیین و تولید نقشه راه و راهبرد منطقی برای کاهش هزینه‌های مورد استهلاک در خلال جریان وقف.
- اعتلای حوزه فیلم و سریال یا ماهیت و موضوعات وقف و واقفان
- میزگردهای علمی و کرسی‌های علمی پیرامون تبیین و تفهیم آثار و پیامدهای مثبت سنت وقف
- سهیم کردن افراد استفاده کننده از وقف در خود موقوفه
- بهبود عملکرد سازمان‌های دخیل در امر وقف به منظور اعتمادسازی و جلب مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی در خصوص گسترش نشر سنت حسنه وقف
- جلب اعتماد مردم در گرایش به سوی وقف در جامعه
- عمل به صورت زنجیره‌ای در سازمانها به منظور هم‌گرایی و هم‌پیمانی برای تمرکز امور وقفی از سوی مردم
- ایجاد رشته جدیدی در دانشگاه با موضوع وقف به منظور آشنایی نسل تحصیلکرده با مقوله وقف و تلاش برای اشاعه و ترویج علمی آن
- همچنین می‌توان این پژوهش را باب جدیدی برای پاره‌ای از پژوهش‌ها به‌شمار آورد. پژوهش‌های قابل پیش‌بینی در حال حاضر عبارتند از:
- بررسی شاخص‌های اقتصادی مورد وثوق در جریان اشاعه سنت وقف به منظور توجه اقتصادی و اجتماعی نشر سنت وقف برای زدودن و مرتفع‌سازی برخی مشکلات جامعه
- بررسی و شناخت جایگاه رسانه‌ها و مطبوعات در امر گسترش سنت حسنه وقف
- بررسی و شناخت جایگاه تربیت معنوی نسل‌ها توسط والدین و عوامل محیطی با رویکرد تعالی بخشی روحیه انفاق و وقف
- بررسی و شناخت کارکرد مثبت و افزایش جذب مردم در امر گسترش سنت حسنه وقف از طریق ارائه تسهیلات و اعطای برخی امتیازات منطقی از سوی دولت به واقفان به منظور ترغیب مشارکت در احیای سنت نیکوی وقف
- بررسی و شناخت جایگزینی سایر امور خیریه و برگزیدن سنت وقف به عنوان کانون انفاق و مشارکت‌های عمومی در زمینه خیررسانی عام‌المنفعه

فهرست منابع و مآخذ

- اسلم جوادى، محمد. (۱۳۸۰). مقاله‌ی نقش وقف در توسعه‌ی فرهنگ، کرمان، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر، ص ۲۱۴.
- المزمینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۲۰ ق). الوقف و اثره فی تشييد بنیته الحضاره الاسلامیه، ریاض، جامعه محمد بن سعود الاسلامیه، ۶۸-۷۲.
- بزرگی، مهدی. (۱۳۷۳). راههای ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره ۳۴، ص ۶۴.
- جوادى آملی، محمد. (۱۳۸۹). احیای سنت وقف، نشریه افق حوزه شماره ۲۹۵، ص ۲۱۴.
- جعفرزاده، معصومه. (۱۳۸۵). جامعیت وقف در فقرزدایی، تبریز، انتشارات سهند، ص ۲۱۴.
- روشنفکر، پیام. (۱۳۹۴). وقف و مطالعات شهر اسلامی، تهران نشر معارف
- ریاحی سامانی، نادر. (۱۳۹۳). مقاله‌ی وقف و شبه وقف و بخشش در ادیان و ملتها، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم، ص ۲۴۳.
- کریمی‌نژاد، رضا. (۱۳۸۹). وقف در شئون اقتصاد و اجتماع کشورهای اسلامی، زاهدان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه نیکبخت، ص ۱۰۸.
- شمسى، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی نقش وقف در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها با محوریت ماهیت فقهی و حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد
- شهابی، علی اکبر. (۱۳۸۹). تاریخچه وقف در اسلام، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- صادقی‌نیا، عاطفه. (۱۳۹۲). مقاله علمی پژوهشی «ابعاد اجتماعی وقف-وقف خداخواهی و نועدوستی»، مشهد مقدس، نشریه داخلی آستان قدس رضوی، ص ۳۶.
- صباحی فرد زنجانی، زهرا. (۱۳۹۳). ماهیت حقوقی، شرایط و آثار وقف اموال غیر مادی، سمینار کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران
- علیمردانی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). پیشینه وقف، تهران، انتشارات سمت
- مسعودی، حسام. (۱۳۹۲). بررسی احکام فقهی تولیت در وقف از دیدگاه فقهای امامیه و شافعیه، مقاله دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب
- مهادفر، یاسر. (۱۳۹۲). مقاله‌ی سیری بر اجرائیات وقف در جوامع اسلامی، تهران، مجله سفینه بهار، ص ۱۱۵.
- ملایی‌پور، جواد. (۱۳۹۴). وقف سرمایه‌ای ماندگار، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

- نوراحمدی، مهدی. (۱۳۹۲). مقاله‌ی بررسی کارکردهای نهاد وقف در اقتصاد اسلامی، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۹۴
- هادوی، فیروزه. (۱۳۹۰). راهکارهای حقوقی افزایش بهره‌وری نهاد وقف، رساله دکتری دانشگاه آزادیزد.